

تأثیر مهاجرت در رشد جمعیت کلانشهرها
نمونه موردی: کلانشهر تهران در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵ شمسی

دکتر سید کمال‌الدین شهریاری^۱

چکیده

مهاجرت از پدیده‌های اجتماعی است که به مثابه یکی از مهمترین عوامل دگرگون‌کننده فضای شهری و روستایی از نقطه نظر ساخت و کارکرد محسوب می‌شود. این پژوهش با اساس قرار دادن نظریه‌های محققین شهیر این عرصه، به ویژه راون اشتاین، هانری مندراس، آرتور لوتیس، گونار میردال، اورت.اس.ال موبو گنج و گری.ال هانت و نظری به تجارب دیگر کشورها در این زمینه، به بررسی رشد جمعیت کلانشهر تهران با توجه به عامل مهاجرت و مقایسه آن با میزان پیش‌بینی شده پرداخته و با تحلیل آماری تغییرات جمعیتی قابل توجه در این زمینه از جمله افزایش سریع جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستائی نتیجه می‌گیرد رشد نسبتاً سریع جمعیت کلانشهر تهران و افزایش آن نسبت به جمعیت تعیین شده در طرح‌های جامع، راهبردی و ساماندهی یکی از عوامل ایجاد مشکل مسکن در این شهر می‌باشد. نهایتاً به اهمیت طرح آمایش سرزمین و برنامه‌های ملی و منطقه‌ای توجه داده می‌شود که به دلیل فقدان آن در گذشته، ساختار رفتارهای جمعیتی نه تنها از کنترل سیاست‌گذاران، مسئولین و برنامه‌ریزان خارج بوده، بلکه پیش‌بینی‌ها نیز عملاً درست از آب در نیامده است و ساختار جمعیت کشور مرتباً در حال تغییر و نوسان بوده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، رشد جمعیت، کلانشهر تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۹

^۱ استادیار دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران

مقدمه

مهاجرت از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حتی شرایط محیط طبیعی، هم در مبدأ و هم در مقصد، در چگونگی آن تأثیر دارد. در چند دهه اخیر شیوه عمل نظام اجتماعی - اقتصادی حاکم بر کشورمان به همراه تنوع و گوناگونی در شرایط اجتماعی فرهنگی سبب شده است تا روستاها نتوانند همگام با تحولات جدید به وجود آمده حرکت نمایند. به گونه‌ای که در اغلب موارد ضمن از دست دادن کارکردهای خود با کاهش جمعیت و بروز پدیده مهاجرت روبرو شده‌اند. تا حدی که تداوم این روند تخلیه و نابودی بسیاری را نیز در پی داشته است. مهاجرت از جمله رویدادهایی است که نوع گسترده آن در دهه اخیر مسائل عدیده‌ای را به لحاظ مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در سطح کشورمان موجب شده است. پدیده مذکور شکلی از اشکال تحرک فضایی جمعیت است که به مثابه یکی از مهمترین عوامل دگرگون کننده فضای شهری و روستایی از نقطه نظر ساخت و کارکرد محسوب می‌شود.

در دنیا در طول زمان و در جریان صنعتی شدن مهاجرت تلاطم‌هایی داشته، ولی نظم منطقی به خود گرفته است. در برخی از کشورهای سوسیالیستی با توجه به برنامه‌ریزی‌های متمرکز اصلاً اجازه بروز چنین پدیده‌ای داده نشده است مثلاً در چین مهاجرت ممنوع است. در ترکیه که وضعیت مشابه کشور ما را دارد با برنامه‌ریزی‌های کلان آن را مهار کرده‌اند و کشورهای مثل برزیل و یا در جنوب شرقی آسیا با چنین مسأله‌ای روبرو هستند، با کمک سازمان‌های جهانی قدری تعدیل شده است.

این مسأله نشان دهنده بروز این مشکل در کشورهای بسیار و ضرورت تحقیق در این باره را نشان می‌دهد. در این تحقیق کوشش شده است این مسئله در کلانشهر تهران، با توجه به نظریات و تحقیقات مشابه در مورد سایر کلانشهرها بررسی شود؛ در اینجا مراد از کلانشهر، بنا به تعریف، منطقه‌ای با بازار واحد کار و مسکن در شعاعی گسترده در نظر گرفته می‌شود. (Blumenteld, 1987:p319)

به توجه به گستردگی جهانی این موضوع، پژوهشگران بسیاری در این زمینه به تحقیق پرداخته‌اند؛ راون اشتاین از پژوهش‌های خود نتیجه‌گیری کرده است که "تفاوت در توسعه زیربناها و امکانات اقتصادی و اجتماعی باعث شکل‌گیری جریان مهاجرت و ادامه روند آن از مرکز کمتر

توسعه یافته به قطب‌های بزرگ صنعتی و تجاری «شهرها» می‌شود. " (ابراهیمی ، ۱۳۸۳) این رویداد تفسیرهای متفاوتی را موجب شد و وفاق نظری گذشته از بین رفت. امروزه نه تنها درباره عوامل مؤثر بر الگوهای مکان‌گزینی جمعیت و فعالیت اختلاف نظر وجود دارد بلکه حتی تصویر واحدی از رویداد مورد پذیرش نیست. کاهش تمرکز جمعیت در کشورهای جهان سوم نیز طی دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد آشکار شد.

تا اوایل دهه هفتاد میلادی همه برنامه‌ریزان منطقه‌ای بر دو نکته توافق داشتند: اول آنکه جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی گرایش به تمرکز در مناطق کلانشهری دارند و دوم آنکه گرایش به تمرکز در داخل فعالیت‌های صنعتی و خدماتی و بین این فعالیت‌ها که ناشی از صرفه‌جویی‌های تجمع^۱ است عامل محرک تمرکز جمعیت است. در اوایل دهه هفتاد روشن شد که دیگر واقعیات در کشورهای پیشرفته صنعتی با نظریه فوق سازگاری ندارند. روند تمرکز در این کشورها رو به کاهش بود و تمرکز زدایی جمعیتی و اقتصادی به صورت حرکت از مراکز مناطق کلانشهری به حاشیه آن و از منطقه کلانشهری به شهرهای متوسط و کوچک در جریان بود. (Illeris, 1987) بررسی‌های موجود در کشورهای آمریکای لاتین حاکی از افزایش شهرهای متوسط (دارای ۱۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر جمعیت) در روندی فزاینده نسبت به سهم جمعیتی کلانشهرها در این کشورهاست. این بررسی نشان می‌دهد میزان رشد جمعیت کلان شهرها طی دهه ۸۰-۱۹۷۰ به طور مشخصی کاهش یافته و پدیده ابرشهری^۲ در پایان دهه هشتاد تخفیف یافته است. (Oliveira and Roberts, 1996)

در گزارش اسکاپ از کنفرانس رسمی شهرنشینی آسیا و اقیانوسیه به طور کلی به افزایش سهم کلانشهرها از جمعیت شهری کشورهای این حوزه طی سی سال گذشته اشاره شده است. هر چند که برخی شهرهای آسیایی نظیر سئول، قاهره و استانبول در دو دهه اخیر با کاهش شدید رشد جمعیت مواجه بوده‌اند اما هنوز سهم کلانشهرها از جمعیت شهری در برخی کشورهای آسیایی بسیار بالاست برای مثال ۵۰ درصد جمعیت شهری تایلند در بانکوک و حدود یک سوم جمعیت شهری بنگلادش، فیلیپین و کره جنوبی در داکا، مانیل و سئول سکونت دارند. (ESCAP, 1994: P.84)

در ایران نیز سهم جمعیت شهر تهران از جمعیت کشور طی دهه پنجاه شمسی کاهش یافته و از حدود ۱۳ درصد در نیمه این دهه به ۱۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است، که نشانه کاهش

تمرکز شهری طی این دوره است (سهم تهران از جمعیت شهری کشور از ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به کمتر از ۲۰ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است). (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵)

بازدهی سرمایه مهمترین عامل در گسترش جغرافیایی فعالیت‌ها در کشورهای غربی است و بهبود آن موضوع پیچیده‌ای است. مانند ابتکارات شهرداری شهر هولستبر^۳ در این منطقه که موجب جذب سرمایه‌گذاران و متخصصان به این شهر گشت. (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۹)

فقر شهری نیز یکی از معضلات عمده کلانشهرهای جهان سوم است. برخی از آمارها سهم بالای شهرهای بزرگ را در اسکان جمعیت فقیر شهری علیرغم نقش آنها در رشد اقتصادی در جهان سوم نشان می‌دهد براساس گزارش مؤسسه توسعه سازمان ملل درباره توسعه شهری نسبت جمعیت فقیر در کلکته به ۶۰ درصد، در کراچی به ۴۵ درصد و در مانیل به ۳۵ درصد می‌رسید (UNDP, 1990). در گزارش بانک جهانی درباره سیاست شهری و توسعه اقتصادی در دهه نود فقر شهری، مهمترین و از نظر سیاسی پرمخاطره‌ترین مشکل شهرهای جهان سوم در قرن آینده قلمداد شده است. (World Bank, 1991)

در همین زمینه پل سینجر تمرکز فضایی شهرنشینی را تا حدود زیادی از تمایل ناشی به بهره‌برداری حداکثر از زیرساخت‌ها در شرایط فقر و ضعف زیرساخت‌های توسعه قلمداد می‌کند. (سینجر، ۱۳۵۸). در مورد جایگاه و نقش سیاست‌های اجتماعی^۴ دولت‌ها در توسعه موزون‌تر منطقه‌ای در شورهای پیشرفته صنعتی، آلن گیلبرت به نکته مهمی اشاره می‌کند. او تأثیر سیاست‌های اجتماعی بکار گرفته شده در مقیاس ملی را بر کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای حتی بیشتر از سیاست‌های معطوف به توسعه مناطق عقب مانده می‌داند. (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۴۲۸)

در کشورهای در حال توسعه، گروه‌های کم درآمد تحرک قابل توجهی دارند و گسترش سکونتگاه‌های حاشیه‌ای به خوبی ابعاد و ضرورت اقتصادی این تحرک را نشان می‌دهد. اما شهرهای جدید در این کشورها عموماً بدون ارزیابی واقع بینانه از ساختار اجتماعی مناطق کلانشهری و ترکیب اجتماعی متقاضیان مسکن، بیشتر با هدف جذب اقشار متوسط و بالا برنامه‌ریزی و مدیریت شده‌اند. از این‌رو نتوانسته‌اند پاسخگوی نیاز گروه وسیعی از جمعیت کلانشهر باشند. صرف بخش مهمی از سرمایه‌گذاری اجتماعی دولت‌ها برای گروه‌های محدود، یکی از زمینه‌های انتقاد به سیاست احداث شهرهای جدید در این کشورهاست. (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۲: ۵۱)

تأثیر مهاجرت در رشد جمعیت کلانشهرها..... ۳۱

گیلبرت معتقد است که دولت‌ها دیگر نمی‌توانند مشکلات شهری را نادیده بگیرند و مجبور به مداخله در آن هستند. (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۲-۲۱۱). جمعیت کشور براساس سرشماری در سال ۱۳۳۵ قریب به ۱۹ میلیون نفر بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۶۰ میلیون نفر بالغ گردیده است. برآوردهای آماری؛ جمعیت کشور را در سال ۱۳۸۰ بیش از ۶۴/۵ میلیون نفر نشان می‌دهد. متوسط رشد سالانه در ۴۵ سال گذشته یکسان نبوده و دارای نوسانات شدیدی بوده است. به طوری که بالاترین نرخ رشد ۳/۹ و کمترین آن ۱/۵ درصد گزارش شده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰)

متوسط رشد سالانه جمعیت از سال ۱۳۶۵ به بعد کاهش چشمگیری داشته که این امر می‌تواند ناشی از رفع نگرانی‌های جامعه پس از خاتمه جنگ تحمیلی و اتخاذ سیاست‌های صحیح دولت در قبال جمعیت باشد. علاوه بر رشد جمعیت کشور و تغییرات نرخ رشد متوسط آن در سال‌های مختلف، جمعیت کشور از نظر ترکیب شهری و روستائی نیز تحولات عمده‌ای را شاهد بوده است. از ۱۹ میلیون جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵ سهم جمعیت روستائی و عشائری حدود ۱۳ میلیون (حدود ۶۸٪) و ۶ میلیون (حدود ۳۲٪) به جمعیت شهری اختصاص یافته است. در صورتیکه در سال ۱۳۷۵ جمعیت ۶۰ میلیونی کشور به نسبت ۳۷ میلیون (حدود ۶۱٪) شهری و ۲۳ میلیون (حدود ۳۹٪) روستائی تقسیم شده است. مقایسه نتایج سرشماری‌ها نشان می‌دهد که طی ۴ دهه گذشته (۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵) به جمعیت نقاط روستائی ۱۰ میلیون نفر و به جمعیت شهری ۳۱ میلیون نفر افزوده شده است. به بیان دیگر در این مدت، جمعیت شهری ۶/۱ برابر و جمعیت روستائی ۱/۸ برابر شده است. در جدول شماره ۱ جمعیت کشور به تفکیک شهری و روستائی نشان داده شده است.

جدول شماره (۱) جمعیت کشور به تفکیک شهری و روستائی

سال	کل جمعیت کشور	جمعیت نقاط شهری	جمعیت نقاط روستائی
۱۳۳۵	۱۸۹۵۷۰۴	۵۹۵۳۵۶۳	۱۳۰۰۱۱۴۱
۱۳۴۵	۲۵۷۸۷۲۲	۹۷۹۴۲۴۶	۱۵۹۹۴۴۷۶
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۱۷۸۵۴۰۶۴
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۲۲۳۴۹۳۵۱
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۳۱۸۳۶۵۹۸	۲۳۶۳۶۵۹۱
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۶۸۱۷۷۸۹	۲۳۰۲۶۲۹۳
۱۳۸۰	۶۴۵۲۸۱۶۲	۴۱۸۲۷۴۷۱	۲۲۷۰۰۶۹
۱۳۸۹*	۷۶۹۳۲۰۰۰	۵۱۱۹۵۰۰۰	۲۵۷۳۷۰۰۰
۱۳۹۹*	۸۹۱۰۵۰۰۰	۶۳۱۵۱۰۰۰	۲۵۹۵۴۰۰۰
۱۴۰۹*	۹۹۱۸۶۰۰۰	۷۴۰۱۱۰۰۰	۲۵۱۷۵۰۰۰

* World urbanization prospect, 1999

افزایش سریع جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستائی معلول سه عامل می‌باشد. عامل اول رشد طبیعی جمعیت شهرها، عامل دوم مهاجرت روستائیان به شهرها و عامل سوم تبدیل روستاها به شهر براساس تعاریف شهر و انطباق روستاها از نظر جمعیت و مدیریت با شاخص‌های شهری بطوریکه تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۶۱۲ شهر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵)

جدول شماره (۲) میزان افزایش جمعیت و مهاجرت به مناطق شهری در ایران را طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۳۵

شرح	۱۳۳۵ الی ۱۳۴۵	۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵	۱۳۵۵ الی ۱۳۶۵	۱۳۶۵ الی ۱۳۷۵
جمعیت در سال پایه	۵۹۵۳۵۶۳	۹۷۹۴۲۴۶	۱۵۸۵۴۶۸۰	۲۶۸۴۴۵۶۱
جمعیت در سال پایانی	۹۷۹۴۲۴۶	۱۵۸۵۴۶۸۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۳۶۸۱۷۷۸۹
افزایش جمعیت	۳۸۴۰۶۸۳	۶۰۶۰۴۳۴	۱۰۹۸۹۸۸۱	۹۹۷۳۲۲۸
افزایش جمعیت طی دوره با توجه به نرخ رشد طبیعی	۲۴۹۳۳۳۷	۳۴۰۶۷۹۰	۴۷۵۹۶۹۱	۶۲۶۵۸۳۴
جمعیت مورد انتظار در سال پایانی	۸۴۴۶۹۰۰	۱۳۲۰۱۰۳۶	۲۰۶۱۴۳۷۱	۳۳۱۱۰۳۹۵
مهاجرت ناخالص طی دوره	۱۳۴۷۳۴۶	۲۶۵۳۶۴۴	۶۲۳۰۱۹۰	۳۷۰۷۳۹۴
سهم مهاجرت در افزایش جمعیت	۳۵/۱	۴۳/۸	۵۶/۷	۳۷/۲
سهم رشد در افزایش جمعیت	۶۴/۹	۵۶/۲	۴۳/۳	۶۲/۸
متوسط رشد مطلق	۵/۱	۴/۹۳	۵/۴۱	۳/۲۱
متوسط رشد طبیعی	۵۶/۳	۳/۰۳	۲/۶۶	۲/۱۲
نرخ مهاجرت	۱/۵۴	۱/۹	۲/۷۵	۱/۰۹

مرکز آمار ایران - سالنامه ۱۳۷۵

در اول اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، جمعیت تهران در سال ۲۰۰۳ را رقمی معادل هفت میلیون و دویست هزار نفر برآورد کرده است. بر این اساس تهران بیست و نهمین شهر پر جمعیت جهان شناخته شده است. (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳)

در دوره ۶۵ - ۱۳۵۵ رشد شهر تهران به حدود رشد طبیعی جمعیت خود رسید (۲/۸ درصد در سال) طی این دوره رشد منطقه کلانشهری تهران با میزان سالیانه ۴/۱ درصد (تقریباً مشابه با دهه قبل) ادامه یافت که به معنای ادامه تمرکز جمعیت کشور در این منطقه بوده است. در این تحولات، تغییرات عمده‌ای در الگوی اسکان جمعیت در داخل منطقه به وجود آمد که افزایش نسبت جمعیت حومه و حاشیه نشین نسبت به جمعیت ساکن در شهر تهران را شامل می‌شود. بررسی مهاجرت‌ها در منطقه نشان می‌دهد که سهم مهاجرت‌های داخلی منطقه از کل مهاجرت‌ها از حدود ۲۹ درصد در دوره ۵۵ - ۱۳۵۰ به ۳۵ درصد در این دهه رسیده است. شهر تهران طی این

دهه رشد یکنواختی نداشته است. آمارگیری سال ۱۳۵۹ این شهر که دو سال پس از انقلاب انجام شد نشان داد که این شهر در سال‌های نزدیک انقلاب رشد قابل توجهی داشته و جمعیت ساکن از ۴/۵ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۵۵ به حدود ۵/۴ میلیون نفر رسیده است. بدیهی است گرایش‌ات عدالت خواهانه‌ای که در سال‌های اولیه انقلاب در عرضه گسترده زمین شهر، عدم کنترل ساخت وسازها و ارائه تسهیلات و مصالح ارزان نمودار شد در افزایش رشد جمعیت شهری بی تأثیر نبوده است. اما از آغاز دهه شصت با تعدیل اقدامات فوق بتدریج رشد جمعیتی این شهر کاهش یافت بنحوی که در فاصله ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ به میزان ۱/۷ درصد در سال رسید. در سال ۱۳۶۵ حدود ۷۶/۴ درصد جمعیت منطقه کلانشهر در شهر تهران و ۲۳/۶ درصد در بیرون از آن سکونت داشتند که از رقم اخیر ۱۰/۳ درصد در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای (با احتساب آلونک‌های تهران ۱۲/۱ درصد) ۵/۸ درصد در شهرها و نواحی شهری غیرحاشیه نشین و ۷/۴ درصد در نقاط روستائی و شهرک‌های اقشار متوسط سکونت داشته‌اند. در این سال ۳۰ درصد جمعیت غیر شهری و ۴۵ درصد جمعیت سایر شهرهای منطقه در بافت حاشیه‌ای سکونت داشته‌اند. گسترش شهرک‌های حومه‌ای و طبقه متوسط در این دوره در نتیجه بلا تکلیفی وضعیت شهرک‌های تفکیک شده و پیش از انقلاب و توقف شهرک سازی پس از تصویب قانون زمین شهری بسیار محدود بوده است (گزارش ۲۴۹، سال ۱۳۶۶).

جدول شماره (۳) میزان جمعیت و نرخ رشد جمعیت دهه‌های گذشته تهران

متوسط رشد سالانه (به درصد)					جمعیت					
۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵
الی ۷۵	الی ۷۰	الی ۶۵	الی ۵۵	الی ۴۵	۶۷۵۸۸۴۵	۶۴۷۵۵۲۷	۶۰۴۲۵۸۴	۴۵۳۰۲۳۳	۲۷۱۹۷۳۰	۱۵۶۰۹۳۴
۰/۸۶	۱/۳۹	۲/۹۲	۵/۲۳	۵/۷۱						

مرکز آمار ایران

همان طور که پیشتر اشاره شد از نیمه دوم دهه شصت از رشد جمعیت منطقه کلانشهری تهران در نتیجه کاهش رشد طبیعی جمعیت و کاهش مهاجرت به آن کاسته شد، نرخ رشد آن در دهه ۷۵- ۱۳۶۵ به ۲/۷ درصد در سال رسید. رشد جمعیت شهر تهران در این دوره به پایین‌ترین سطح در طول ۵ دهه گذشته حیات آن تقلیل یافت. میزان افزایش جمعیت تهران از حدود ۱۵۰ هزار نفر در سال طی دهه ۶۵- ۱۳۵۵ به ۷۰ هزار نفر در سال طی دهه بعد کاهش یافت و نرخ رشد آن به ۱/۱ درصد در سال رسید. در نتیجه سهم تهران از جمعیت منطقه‌ای از ۷۶/۴ درصد در آغاز دهه به ۶۵/۳ درصد در پایان آن رسید. احیاء فعالیت مدیریت شهری در تهران از اواخر دهه شصت،

۳۴..... مجله جامعه شناسی معاصر، سال سوم/شماره اول / زمستان ۱۳۸۹

ضمن کنترل رشد افقی کالبد شهر ، بسترهایی را خارج از ضوابط و مقررات جاری برای رونق ساخت و ساز شهری گشود ، و سیاست رونق فعالیت‌های ساختمانی و افزایش نرخ خدمات شهری را در پیش گرفت . (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۹:ص ۵۱)

همان طور که دیده شد نسبت اسکان غیررسمی در نقاط شهری منطقه (به جز تهران) از ۱۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است و بدتر از آن حجم حاشیه نشینی در نقاط غیرشهری است که از ۸/۳ درصد به ۶۶/۷ جمعیت این نقاط طی دوره فوق افزایش یافته است . (همان: ۵۶)

جدول شماره (۴) تغییر میزان حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی در شهرها و نقاط غیرشهری منطقه در فاصله ۷۵- ۱۳۵۵ «هزار نفر»

۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		شرح
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
-	-	۹۷/۷	۵۹۱۱/۵	۹۹/۰	۴۵۰۳/۴	نواحی متعارف
-	-	۲/۳	۱۴۰/۰	۲/۲	۱۰۰/۰	محلات حاشیه‌ای
۱۰۰	۶۷۵۸/۸	۱۰۰	۶۰۵۱/۵	۱۰۰	۴۵۵۰/۳	جمع
۵۵/۱	۹۶۳/۱	۴۴/۴	۴۴۹/۸	۸۱/۰	۲۹۸/۹	نواحی متعارف
۴۴/۹	۷۸۳/۷	۴۵/۶	۵۶۳/۱	۱۹/۰	۷۰/۰	محلات حاشیه‌ای
۱۰۰	۱۷۴۶/۸	۱۰۰	۱۰۱۲/۸	۱۰۰	۳۶۸/۹	جمع
۴۰/۲	۱۶۳/۵	۱۰۰	۳۲/۷	۳۱/۶	۳۸/۰	نواحی متعارف
۵۹/۸	۲۴۳/۲	-	-	۶۸/۴	۸۲/۲	محلات حاشیه‌ای
۱۰۰	۴۰۶/۷	۱۰۰	۳۲/۷	۱۰۰	۱۲۰/۲	جمع
۳۳/۳	۴۷۷/۳	۶۹/۳	۵۷۲/۶	۹۱/۷	۳۴۹/۷	نواحی متعارف
۶۶/۷	۹۵۴/۰	۳۰/۷	۲۵۳/۹	۸/۳	۳۱/۷	محلات حاشیه‌ای
۱۰۰	۱۴۳۱/۳	۱۰۰	۸۲۶/۵	۱۰۰	۳۸۱/۴	جمع
۸۰/۸	۸۳۶۲/۷	۸۷/۹	۶۹۶۶/۶	۹۴/۶	۵۰۶۹/۸	نواحی متعارف
۱۹/۲	۱۹۸۰/۹	۱۲/۱	۹۵۶/۹	۵/۴	۲۸۳/۹	محلات حاشیه‌ای
۱۰۰	۱۰۳۴۳/۶	۱۰۰	۷۹۲۳/۵	۱۰۰	۵۳۰۰/۶	جمع

مرکز آمار ایران - سالنامه آماری ۱۳۷۵

استان تهران به دلیل قرار گرفتن شهر تهران در آن همواره مهاجرپذیر بوده است . این مهاجرپذیری در ابتدا منحصر به شهر تهران بوده و به تدریج به شهرها و نقاط پیرامونی آن کشیده شده و در مراحل بعدی نه تنها شهرها و روستاهای نزدیک ، بلکه حتی نقاط خالی از سکنه را نیز تحت تأثیر قرار داده و بر روی زمین‌های خالی از سکنه مراکز جمعیتی انبوهی به وجود آورده است . نظری به چگونگی تکوین و توسعه شهرها در این محدوده ، به خوبی می تواند عملکرد مهاجرت در شکل گیری و افزایش جمعیت آنها را نشان دهد .

برای آنکه بتوان سیمای مهاجرپذیری منطقه شهری تهران را در سال ۱۳۵۵ به خوبی درک کرد کافی است اشاره شود که از کل ۲۴۳۷۳۷۱ نفر مهاجران ساکن در استان مرکزی (شهرستان‌های تهران، کرج، قزوین، ساوه، تفرش، اراک، محلات و کاشان) ۲۲۸۴۶۱۷ نفر ساکن در دو شهرستان تهران و کرج بوده اند که نشانگر استقرار بیش از ۹۳/۷ درصد مهاجران استان مرکزی آن روز در دو شهرستان مذکور بوده است. با احتساب جمعیت بومی شهرستانهای ورامین و دماوند، که در سال ۱۳۵۵ جزیی از استان سمنان محسوب می‌شدند، و افزودن آنها بر رقم افراد غیربومی شهرستان‌های تهران و کرج، شمار مهاجران در جمعیت منطقه شهری تهران در آن سال، بالغ بر ۲/۳۳۳ میلیون نفر می‌شود که حدود ۹۵/۶ درصد کل مهاجران وارد شده به استان مرکزی که ۹۵/۶ درصد آنها نیز در منطقه شهری تهران استقرار داشته اند وارد نقاط شهری شد، تنها ۴/۷ درصد آنها در نقاط روستایی مسکن گزیده اند. این امر به خوبی دلایل توسعه کالبدی شهرها و ادغام نقاط جمعیتی پیرامونی آنها را در محدوده‌های روبه گسترش شهری نشان می‌دهد. مهاجرت به نقاط شهری تهران در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ شدت بیشتری یافت. (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵)

بررسی آمار و ارقام نشان می‌دهند که در فاصله ده ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حداقل ۷۴۱۹۴۰ نفر به استان تهران وارد و ۲۶۵۹۴۴ نفر از آن خارج شده‌اند. موازنه مهاجرتی استان تهران در این دوره ۴۷۵۹۹۶ نفر مثبت بوده و با فاصله بسیار زیادتری درصد استان‌های مهاجرپذیر قرار داشته است از این تعداد ۳۶۲۷۲۵ نفر در نقاط شهری (شهرهای قبلی و نقاطی که در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به شهر تبدیل شده اند) و بقیه یعنی ۱۱۳۲۷۱ نفر در نقاط روستایی استقرار یافتند. با احتساب مهاجرت‌های داخل استانی تعداد وارد شدگان به ۱۲۰۵۶۵۲ نفر بالغ می‌شود که ۸۴۵۱۳۹ نفر آنان در نقاط شهری و ۳۶۰۵۱۳ نفر آنان در نقاط روستایی مسکن گزیدند که رقم بی سابقه‌ای در مقایسه با دوره‌های ۱۰ ساله گذشته محسوب می‌شود.

گرچه بر پایه نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ شدت مهاجرت به منطقه شهری تهران فروکش کرده لیکن در دوره ۱۰ ساله ۱۳۶۵ - ۱۳۷۵ نیز ۹۱۶۸۸۳ نفر به این استان (با احتساب شهرستان قزوین) وارد و ۴۸۶۹۸۷ نفر از آن خارج شده‌اند (جدول ۶) بر این اساس موازنه مثبت مهاجرتی این استان در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ (۴۲۹۸۹۶ نفر) کمی کمتر از رقم مربوط به دوره ۱۰ ساله قبل از آن (۴۷۵۹۹۶ نفر) بوده است. لیکن با توجه به این که در همین دوره بر تعداد وارد شدگان از

استانهای دیگر حدود ۱۷۵ هزار نفر افزوده شده است باید کاهش موازنه مهاجرتی در این دوره را ناشی از افزایش تعداد خارج شدگان دانست. این گروه خود از دو دسته متمایز تشکیل می‌شوند: یکم: مهاجران جنگی بازگشته به سرزمین‌های اصلی خود و دوم: مهاجران که چون ادوار گذشته از استان تهران خارج و در سایر نقاط کشور استقرار می‌یافته‌اند. گرچه آمار و ارقام متقنی از تعداد مهاجران بازگشته به مناطق جنگزده وجود ندارد لیکن به حکایت اطلاعات دریافتی از ستاد بازسازی آن مناطق، سهم آنان در بین خارج شدگان از استان تهران بسیار بالا است. با حذف اثر این گروه، باید گفت که نه تنها در فاصله سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ از شدت مهاجرت به منطقه شهری تهران کاسته نشده بلکه حتی با کم‌اثرتر شدن اهمیت نسبی مهاجران جنگی در بین خارج شدگان از استان تهران در سال‌های آینده، موازنه مثبت مهاجرتی نیز، روندی فزاینده خواهد یافت و بیش از پیش، مهاجرت به عنوان یکی از عوامل مهم افزایش جمعیت خودنمایی خواهد کرد.

جدول شماره (۵) موازنه مهاجرتی استان تهران به تفکیک جنس و نقاط شهری و روستایی در فاصله سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

موازنه مهاجرتی	مهاجران داخل استانی	وارد شدگان	خارج شدگان	
۴۲۹۸۹۶	۱۱۳۵۶۸۳	۲۰۵۲۵۶۶	۱۶۲۲۶۷۰	مرد و زن کل
۲۲۲۸۷۲	۵۸۱۱۲۳	۱۰۹۰۳۵۵	۸۶۷۴۸۳	مرد
۲۰۷۰۲۴	۵۵۴۵۶۰	۹۶۲۲۱۱	۷۵۵۱۸۷	زن
۳۷۰۲۷۳	۶۵۶۴۲۶	۱۴۰۰۴۲۱	۱۰۳۰۱۴۸	مرد و زن شهری
۲۰۸۲۲۱	۳۳۳۶۱۰	۷۴۶۷۸۳	۵۳۸۵۶۲	مرد
۱۶۲۰۵۲	۳۲۲۸۱۶	۶۵۳۶۳۸	۴۹۱۵۸۶	زن
۵۹۶۲۳	۴۷۹۲۵۷	۶۵۲۱۴۵	۵۹۲۵۲۲	مرد و زن روستایی
۱۴۶۵۱	۲۴۷۵۱۳	۳۴۳۵۷۲	۳۲۸۹۲۱	مرد
۴۴۹۷۲	۲۳۱۷۴۴	۳۰۸۵۷۳	۲۶۳۶۰۱	زن

مرکز آمار ایران - سالنامه آماری ۱۳۷۵

از ۲۰۵۲۵۶۶ نفر مهاجران وارد شده به استان تهران (مجموعه شهری تهران بعلاوه شهرستان قزوین) در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ محل تولد ۲۰۳۹۴۷۱ نفر مشخص بوده و ۱۳۹۰۵ نفر از این نظر وضع اظهار نشده‌ای داشته‌اند. با کسر ۶۶۴۱۸ نفر مهاجران خارجی ساکن در استان تهران، تعداد مهاجران داخلی این استان در دوره ۱۰ ساله مورد بحث ۱۹۷۳۰۵۳ نفر می‌باشد. مقایسه این ارقام با داده‌های بازسازی شده سرشماری سال ۱۳۶۵ در محدوده یکسان شده استان تهران (محدوده سال ۱۳۶۵ منهای شهرستان قم بعلاوه شهرستان قزوین) گویای دگرگونی‌های قابل ملاحظه‌ای در عرصه مهاجرت‌های داخلی در استان تهران است.

تأثیر مهاجرت در رشد جمعیت کلانشهرها..... ۳۷

جدول شماره (۶) مقایسه تعداد مهاجران داخلی وارد شده به محدوده سال ۱۳۷۵ استان تهران در دوره ۱۰ ساله

آخرین محل اقامت قبلی	۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵	۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵	درصد فزونی ۱۳۶۵ بر ۱۳۶۵
تعداد مهاجران وارد شده	۱۱۸۱۳۱۲	۱۹۷۳۰۵۳	۶۷/۰
شهرستان محل سرشماری	۱۳۱۴۶۶	۴۳۷۵۳۸	۲۳۲/۸
سایر شهرستانهای استان	۳۴۵۸۱۲	۶۹۸۱۴۵	۱۰۱/۹
سایر استانهای کشور	۷۰۴۰۲۲	۸۳۳۲۷۰	۱۸/۹

مرکز آمار ایران - سالنامه آماری ۱۳۷۵

بدین ترتیب برعکس تصور القاء شده، اولاً تعداد کل مهاجران وارد شده در دوره ۱۰ ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ حدود ۶۷ درصد بیش از دوره ۱۰ ساله قبلی بوده و ثانیاً به رغم افزایش خارق العاده جابجایی‌های داخل شهرستانی، مهاجرت از دیگر شهرستان‌های استان هم در همین دوره به بیش از دو برابر افزایش یافته و مهاجرت از استان‌های دیگر به تهران نیز به رغم خاتمه جنگ تحمیلی نه تنها کاسته نشده بلکه حتی حدود ۱۹ درصد هم افزوده شده است و در کنار آن، نسبت جنسی مهاجران وارد شده از ۱۰۱/۷ به ۱۱۱/۷ افزایش یافته که به معنی افزایش سهم مردان در بین مهاجران است؛ افزایشی که خود در آینده، جذب مهاجران تبعی را به دنبال خواهد داشت.

به موازات افزایش تعداد مهاجران به استان تهران افزایش نسبت جنسی آنان در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نسبت به دوره ۱۰ ساله قبل از آن تغییراتی نیز از نظر منشاء شهری و روستایی مهاجران وارد شده پیش آمده است. ارقام جدول شماره ۷ گویای این تغییرات است:

جدول شماره (۷) درصد مهاجران از منشاء روستایی به کل مهاجران وارد شده استان تهران برحسب تقسیمات کشوری در دوره-

های ۱۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ و ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵

کل مهاجران	۱۳۶۵	۱۳۷۵
از شهرستان محل سرشماری	۴۶/۲	۲۰/۱
از شهرستانهای استان	۴/۹	۶/۲
از استانهای دیگر	۴۰/۳	۲۱/۴

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۵

یافته‌های تحقیق

- جمعیت به عنوان یکی از مهمترین متغیرها در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

- رشد جمعیت، ساختار جمعیت شهری و روستائی، هرم سنی جمعیت، میزان مرگ و میر، امید به زندگی، سن ازدواج، مهاجرت و سایر شاخص‌های جمعیتی چنانچه قابل کنترل و پیش‌بینی نباشند، باعث عدم تحقق اهداف برنامه‌ها خواهد شد.

- در کشور ما به دلیل فقدان طرح آمایش سرزمین و برنامه‌های ملی و منطقه‌ای در گذشته ، ساختار رفتارهای جمعیتی نه تنها از کنترل سیاست‌گذاران ، مسئولین و برنامه‌ریزان خارج بوده ، بلکه پیش‌بینی‌ها نیز عملاً درست از آب در نیامده است و ساختار جمعیت کشور مرتباً در حال تغییر و نوسان بوده است .

- نرخ رشد جمعیت کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ بین بالاترین رقم (۳/۹٪) و پائین ترین رقم (۱/۶) در حال نوسان سینوسی بوده است . (جمعیت سال ۱۳۸۵ برآورد تقریبی می‌باشد)

- جمعیت شهری کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ حدود ۵۱۰ درصد رشد کرده است .

- متوسط نرخ رشد جمعیت تهران در گذشته دارای نوسانات شدیدی بوده به گونه‌ای که در مقاطع مختلف زمانی از نرخ رشد ۰/۹ درصد (بین سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۰۱) تا ۸/۵ درصد (بین سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۵) برخوردار بوده است .

- در سال ۱۳۵۵ کل جمعیت تهران ۴۵۳۰۲۲۳ نفر بوده که ۲۴۹۵۰۵۲ نفر (۵۵ درصد) آن متولدین در شهرستان تهران و ۲۰۳۵۱۷۱ نفر (۴۵ درصد) آن را مهاجرین به تهران تشکیل می‌دادند .

- برپایه نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ شدت مهاجرت به منطقه شهری تهران فروکش کرده ، لیکن در دوره ۱۰ ساله ۷۵ - ۱۳۶۵ نیز ۴۲۹۸۹۶ نفر به این استان وارد شده‌اند که کمی کمتر از رقم مربوط به دوره ۱۰ ساله قبل از آن (۴۷۵۹۹۶ نفر) بوده است .

- بررسی آمار فعالیت‌های صنعتی منطقه تهران حاکی از آن است که طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۳ حدود ۱۲۰ هزار شغل صنعتی جدید در منطقه به وجود آمده که ۳۵/۷ درصد کل اشتغال جدید کارگاهی است .

- بررسی روند رشد اقشار مختلف نیز در این دوره حاکی از اضافه شدن به خانوارهای کارگری (اعم از کارگران ماهر و ساده) است .

- اقشار کارگری از حدود ۳۸ درصد به ۴۲ درصد اشتغال مردان در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ افزایش یافته‌اند .

- رشد این گروه‌ها که همواره در زمره اقشار کم درآمد منطقه و متقاضی مسکن ارزان بوده‌اند در شرایط افزایش هزینه مسکن در شهر تهران و سایر شهرهای منطقه ، زمینه بیشتر بازار غیر رسمی زمین و مسکن در حاشیه نقاط شهری را فراهم ساخت .

تأثیر مهاجرت در رشد جمعیت کلانشهرها..... ۳۹

- بر اساس طرح جامع شهر تهران که در سال ۱۳۴۷ تهیه شد ، کل جمعیت مناطق تهران برای ۲۵ سال آینده ۵/۵ میلیون نفر پیش‌بینی شده بود .
- به دلیل افزایش جمعیت تهران مازاد بر طرح جامع ، در سال ۱۳۷۰ طرح ساماندهی تهران به تصویب رسید که حد نهائی جمعیت برای کل مناطق ۲۲ گانه شهر تهران ۷/۶۵ میلیون نفر در نظر گرفته شد .
- در حال حاضر بر اساس آمار غیر رسمی ۸/۵ میلیون نفر در تهران ساکن هستند که این رقم در روز بیشتر نیز می‌گردد.

جمع بندی

جمعیت به عنوان یکی از مهمترین متغیرها در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه مسئولین و برنامه‌ریزان قرار دارد . هرگونه تغییر در ساختار و رفتارهای جمعیتی می‌تواند برنامه‌های مذکور را تحت‌الشعاع قرار داده و دچار تغییر و نوسان نماید . تغییرات در شاخص‌های جمعیتی نظیر رشد جمعیت ، ساختار جمعیت شهری و روستایی ، هرم سنی جمعیت ، میزان مرگ و میر نوزادان ، امید به زندگی ، سن ازدواج ، مهاجرت و سایر شاخص‌ها چنانچه قابل کنترل و یا قابل پیش‌بینی نباشد ، باعث عدم تحقق اهداف برنامه‌ها خواهد شد . در کشورهای توسعه یافته ، مسئولان و برنامه‌ریزان از طریق برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و استراتژیک مانند برنامه‌های ملی و منطقه‌ای سعی می‌نمایند جمعیت کشور را به گونه‌ای کنترل و در مناطق مختلف توزیع نمایند تا همه مناطق دارای رشد متعادل جمعیتی بوده و بتوانند برنامه‌های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در خصوص اشتغال ، تولید ، توزیع درآمد ، رفاه اجتماعی و خدمات و مسکن و سایر موارد را به دقت طرح و اجرا کنند .

پی نوشت ها

- 1-agglomeration economics
- 2-Urban Primacy
- 3-Holstebro
- 4-Social Policy

منابع

- سینجر ، پل (۱۳۵۸). **اقتصاد سیاسی شهرنشینی**. تهران: نشر ایران ،
- گیلبرت و گاکلر (۱۳۷۵). **شهرها فقر و توسعه . شهرنشینی در جهان سوم**. تهران: شهرداری تهران ،
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵). **آمار تفصیلی سرشماری استان تهران**. تهران: مرکز آمار ایران ،
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). **سالنامه آماری ۱۳۷۵**. تهران: مرکز آمار ایران ،
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰). **سالنامه آماری ۱۳۸۰**. تهران: مرکز آمار ایران ،

۴۰..... مجله جامعه شناسی معاصر، سال سوم/شماره اول / زمستان ۱۳۸۹

مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران(۱۳۷۹). «طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن بخش سوم: مطالعات اجتماعی». تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.

وزارت مسکن و شهرسازی(۱۳۷۲). **گزارش تجارب شهرهای جدید جهان**. جلد۴، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

وزارت مسکن و شهرسازی(۱۳۷۳). **گزارش شهرک‌های مصوب استان تهران**. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی،

Blumenteld,Hans.(1987). "where did all the Metropolitan Cities go?". Edited by C.S. Yadave. Contemporary Urban Issues.,

ESCAP(1994). Proceeding of the Ministerial Conference on Urbanization in Asia and Pacific.

Illeris, Sven (1987). "The Metropolis; the Periphery and the third Wave". **Town Planning Review**, Vol158.

Oliveira and Roberts (1996), "Urban Development and Social Inequality in Latin America". Edited by J. Gugler. The **Urban Transformation of the developing World**.

UNDP(1990), "Cities People and Poverty" ,AUMNDP Strategy paper.

World Bank (1991) ,"Urban Policy and Economic Development". **World Bank Policy Paper**.